







بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مباحثه با موضوع:

شادی در عزای نواصب شادی در عزای نواصب

بین:

	<p>ابو محسن آخرین بازدید اخیرا</p>		<p>سید عباس آخرین بازدید در 03:37</p>
			
<p>@Abomohsene نام کاربری</p>		<p>گویند علی میزده صد وصله به کفشش ای کاش دل خسته ی من کفش علی بود...</p>	
		<p>@seyedabbas_133 نام کاربری</p>	

(مخالف)

(موافق)

ابرگروه مناظراتی خیمه گاه حضرت ابانفضل ع

ابومحسن:

سید این حرفها چی بود در مورد مرگ هموطنانت گفتی؟

سیدعباس:

سلام بزگوار

من شما رو نمی شناسم

ابومحسن:

و علیکم

سیدعباس:

اونهایی که کشته شدن منظورم

عمریه هست

ابومحسن:

فکر نمی کنم

سیدعباس:

هموطن باشن نباشن

ابومحسن:

باشند

سیدعباس:

برای من ارزشی ندارن چون ناصبی هستن

و نواصب نزد عمریه هم بی ارزش هستن

ابومحسن:

حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ای از نهج البلاغه می‌فرماید: به من خبر رسیده که مردی از لشکر شام به خانه‌ی زنی مسلمان و زنی غیر مسلمان که در سایه حکومت اسلام بوده وارد شده و خلخال و دستبند و گردبند و گوشواره‌های آنها را به غارت برده در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع جز گریه و التماس کردن نداشته‌اند. لشکریان شام با غنیمت فراوان رفتند بدون اینکه حتی یک نفر آنان زخمی بردارد و یا قطره خونی از او ریخته شود. اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تاسف بمیرد ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است. به شما حمله می‌کنند و شما حمله نمی‌کنید؟ با شما می‌جنگند و شما نمی‌جنگید؟ این گونه معصیت خدا می‌شود و شما رضایت می‌دهید؟ (نهج البلاغه، خطبه 27)

سیدعباس:

عزیز جانم قرار نیست که شما چنین فکر بکنی

مهم این هست که

برای ما ثابت شده است

ابومحسن:

این حرف امام هست یا نه؟

سیدعباس:

این خطبه رو هم جواب دادیم قبل از شما هم دیگران استدلال کردند

در جواب می‌گوییم ائمه قائل بر این هستن نواصب نجاستشان از سگ بیشتره

ابومحسن:

شما از کجا میدانید ناصبی هستند

سیدعباس:

ما نواصب را از سگ و خوک و یهود و نصارا هم بدتر می‌دانیم پسر

تو ناصبی رو با یهودی قیاس می کنی؟

اقا این سوال قشنگی بود

فضیلت علی علیه السلام و مناقب فراوان او

علامه عبدالرحمن بن قاسم نجدی رحمته الله راجع به مسأله‌ی تحریم زکات بر بنی هاشم می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله علت آن را چنین بیان داشت که زکات پلیدی مردم است و بر او صلی الله علیه و آله و بنی هاشم و موالیهایشان حرام می‌باشد، زیرا آنها مردمانی شریف هستند^(۱).

و در شرح حدیث: پرچم را به کسی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست دارد، و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند، خداوند خبیر را به دست او فتح خواهد کرد. مردم آن شب را با بحث و جستجوی اینکه پرچم به کدام یک از آنها داده می‌شود به سر بردند. وقتی که صبح شد نزد پیامبر رفتند و هر یک امیدوار بودند که پرچم به او داده شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی بن ابی طالب کجا است؟

بیان داشته که: ابن حدیث بیانگر فضیلت علی و فراوانی مناقب وی می‌باشد، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به طور خاص برای او گواهی دادند... تا آنجا که می‌گوید: این حدیث بهترین دلیلی است علیه نواصبی (امثال خوارج) که ولایت او را نمی‌پذیرند، یا اینکه او را تکفیر می‌نمایند و یا اینکه او را فاسق می‌شمارند...^(۲).

عقیده‌ی همه‌ی اهل سنت و جماعت و همچنین عقیده‌ی شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش بر این است که هر کس ولایت علی علیه السلام را نپذیرد و بدان اقرار ننماید ناصبی و بدعت‌گرا است.

۱- حاشیه‌ی شماره ۴ کتاب (الروض الحریع: ۳۳۰/۳).

۲- حاشیه‌ی ایشان بر کتاب التوحید. ص: ۶۱.

اهل بیت علیهم السلام از منظر

محمد بن عبدالوهاب

ترجمه کتاب: (الإمام محمد بن عبدالوهاب وأئمة الدعوة النجدية وموقفهم من آل البيت علیهم السلام)

به قلم:

خالد الزهرانی

ترجمه:

اسحاق دبیری رحمته الله

ابومحسن:

اول باید ثابت کنی ناصبی هستی

سیدعباس:

ناصبی بودن باران و مئانه و مابقی که ثابت است

ناصبی بودن بقیه هم طبق قاعده خودتان در بالا که عرض شد ثابت

ابومحسن:

ولایت به چه معنی

سیدعباس:

ولایت را شما هر چه معنا بکنی به ضرر شما هست

ابومحسن:

مگر اهل سنت محبت اهل بیت را ندارند

سیدعباس:

ما ولایت را همان سرپرستی معنا می کنیم

اولا اهل سنت و نه عمریه

این اولاً

ثانیا اینها نه تنها محبت اهل بیت ندارند بلکه بغض مولا دارند و بغض مولا را هم شرط عمری بودن می دانند

قبلا در موردش در کانال مفصل بحث کردم رجوع کنید

ابومحسن:

اینها توهمات توست

سیدعباس:

توهم نیست صواعق است

ابومحسن:

این همه مراجع شیعه و رهبر و علما تسلیت گفتند آنها بهتر میدانند یا تو

سیدعباس:

تسلیت به چه و که گفتن؟

به باران و ناصبی ها گفتن؟

ابومحسن:

به همین زلزله زده ها

سیدعباس:

نکته دوم ربطی به نواصب در چیه؟

ابومحسن:

امیدوارم در مرگت من هم اعلام شادی کنم بعنوان یک ناصبی هتاک

ابروی شیعه اهل بیت را بردی

سیدعباس:

برای بنده افتخار است که در رازده اسلام شهید شوم و عمری برایم شادی کنه زیرا عمری برای امام من شادی کرده و این افتخاری برای بنده هست که چون امام خود در یک مسئله یکی باشم

الحمد لله به اقرار حتی بتیره بنده تنهی کسی هست که ابرویی برای عمریه نذاشتم

ایضا شما بهتره بری فکر به حال باباعاشورت بکنی

ابومحسن:

اسلامی که فکر میکنی تو داری از یهودیت هم بدتر هست

تو نبودی که حیدر کرار رسوائیهایت را افشا کرد

یک مریض جنسی فاسد العقیده

سیدعباس:

بزرگوار ان اسلامی که شما داری به یهودیت اولی تر هست تا شیعه می دانید چرا چون علمایت اقرار کردن ان اسلام شما همان اسلام یهود هست که خدایتان چون خدای یهود دست و پا و چشم حلق و غیره ذالک دارد به نظرم شما اولی تر به اسلام یهود باشید تا ما البته با این اوصافی که علمایت هم پذیرفتن

اون عمری کرار را می گویی؟ او همان بود که با عمریه یک دستی کرد، اخه اخوی، کسی که از عایشه دفاع بکنه بعدا می خواهد
من را خراب بکنه؟

ابومحسن:

قصده جدل ندارم فعلا دارم از موضع تشیع بحث می کنم

از یک امام برای این کارت روایت بیار

سیدعباس:

عقلت کجا رفته؟ کدام عاقلی می گوید فلان شیعه علیه سید حرف زده حال آنکه ان شیعه از عایشه هم دفاع کرده؟ این شیعه

عایشه هست نه شیعه مولا

دیگه به کسی این رو نگوی بهت می خندن

فرار کردی به همین زودی عزیزم؟

ابومحسن:

عایشه ام المومنین است به نص قران

من مثل تو اهل فرار نیستم

ابومحسن:

این خنده های هیستریک هست میدانم

سیدعباس:

اره همان ام المومنین که خودش هم قبول نداشت و منکرش بود البته منکر نص بود

من اگه فراری بودم که علمایت از من فرار نمی کردن

ابومحسن:

یک روایت از ائمه برای رفتارت

تو که ادعای تشیع داری

سیدعباس:

دین اسلام از باطل شدن کفار ناراحت است یا غمگین؟

ابومحسن:

تو کی هستی که هم کلام عالم باشی

سیدعباس:

برای باطل شدن کفار عزاداری می کند؟

ابومحسن:

یک روایت از ائمه

سیدعباس:

من همان کسی هستم که مراد زهی اسمم را شنید تلفنم را قطع کرد

ائمه جدا از اسلام هستند؟

باباعاشور چی شد؟

ابومحسن:

نمیشناسم ایشان را ولی هر فرد سالمی باید از هم کلامی با هتاک پرهیز کند

یک روایت از ائمه داری

سیدعباس:

اتفاقا بنده دوستانه باهاتش تلفنی حرف زدم مشکل اینجا بود اسمم رو شنید فراری شد

ابومحسن:

از محسنات خوشنامی است

سیدعباس:

جواب ندادی اسلام برای باطل شدن کافر عزاداری می کند یا شادی می کند؟

الحمد لله که تو هم اقرار کردی خوشنامی از خود داریم و حسنات

ابومحسن:

من روایت از ائمه خواستم داری یا نه

ابومحسن:

از محسنات خوشنامی است

سیدعباس:

ائمه داخل اسلام هستن یا خارج اسلام؟

ابومحسن:

عاقلان دانند منظورم چیست

سیدعباس:

اگر خارج اسلام باشن که کفرت را ثابت کردی

اگر داخل اسلام هستن

به من بگو

اسلام برای کفار عزاداری می کند؟

ابومحسن:

تو مگر دینت را از اهل بیت نگرفتی؟

سیدعباس:

اگر منظورت از عاقل عمری هست که هر جا عقل هست عمری نیست

اهل بیت اسلام را آورده اند

من هم از همان اسلام می گویم

اسلام برای کفار عزاداری می کند؟

ابومحسن:

پس برای عمل خودت موظف هستی از آنها دلیل ارائه کنی

یک روایت بیاور برای خوشحالی به اصطلاح مرگ کفار

سیدعباس:

اتفاقا دلیل داریم و از تو سوال می کنیم حاضر نیستی تمکین کنی وی فراری هستی

ابومحسن:

پس دلیلت را ارائه بده

سیدعباس:

پس منظورت اینه دین اسلام برای کفار عزاداری می کرده؟

ابومحسن:

یک روایت از ائمه

سیدعباس:

گند زدی رفت پسر

فرار نکن

ابومحسن:

فرار نمی کنم

ابومحسن:

سیدعباس:

افرین

ابومحسن:

منتظر روایت هستم

سیدعباس:

پس جواب بده

اسلام برای باطل شدن کفار عزاداری می کند؟

الان شما عمریه فتوا به قتل شیعه می دهید بعد از اینکه شیعه می کشید ایا عزاداری برای شیعه می کنید؟

ابومحسن:

اینجا کلام امام را آوردم

سیدعباس:

این رو هم در ادامه اش جواب دادم

جوابش را بخوان

ابومحسن:

تو اول شیعه بودنت را اثبات کن بعد میرویم سراغ اهل سنت

سیدعلی:

رد داری بزن من صاعقه بزنم گرچه صاعقه خوردی و دیگه جواب نداشتی

چه شد از روایت مولا صاعقه خوردی رسیدی سر روایت ائمه از انجا فراری شدی رفتی سر اثبات شیعه بودن من

داداش بعدا نگو فراری نیستی

ابومحسن:

هنوز دلیلی از ائمه ارائه ندادی که ردیه بزلف

سیدعباس:

ابروی خودت را بردی

مشکل اینجاست تو هنوز ماندی که بگویی ائمه داخل اسلام هستن یا خارج اسلام

ابومحسن:

مگر روایت امام را پاسخ دادی تو

سیدعباس:

گویا ائمه را از اسلام خارج می دانی

عینک بخرم برات جوجو؟

جواب که چه عرض کنم صاعقه زدم و فراری شدی

ابومحسن:

ائمه علیهم السلام علمای اسلام هستند

ریپلی کن به پاسخت

سیدعباس:

افرین خوشم امد که مثل مابقی علمای ناصبی نبودی و از اهل بیت اعراض نکردی

پس ائمه علمای اسلام هستن

ابومحسن:

بی شک

ابومحسن:

سیدعباس:

حالا سوال اینجاست ائمه خلاف اسلام دستور می دهند یا موافق اسلام؟

از اینجا بخون پسرکم

بی شک چی؟

ابومحسن:

بین برای فرار از آوردن یک روایت این همه مقدمه چینی لازم نیست

سیدعباس:

مشکل اینجاست چون شما عمریه ثابت شده عقثل ندارید مجبورم مقدمه چینی کنم

وگرنه مستقیم برم سر اصل مطلب هنگ می کنی مطلب مطلب مولا علی علیه سلام که صاعقه خوردی و فراری شدی

و امدی در مورد اثبات شیعه بودن من بحث کردی

حالا جواب بده

ائمه خلاف اسلام حکم می کنن یا موافق ان؟

ابومحسن:

نه دارم در عقثل شک می کنم

سیدعباس:

در عقل ان کسی شک کن که عبد الرزاق او را انوک دانست

بلاخره زائیدی و جواب ندادی

ائمه خلاف اسلام حکم می دن یا موافق؟

ابومحسن:

در عقل کسی شک می کنم که شیعیان ما نه دهمشان احمق هستند بقیه مشرک

سیدعباس:

منظورت ان روایت ضعیف و باطل هست که البته بماند منظور امام از شیعیان ما شما عمریه بودید در ان مطلب چون شما خودتان را شیعه اهل بیت می دانید

ابومحسن:

بالاخره کلام امام در مورد امثال توست نه شیعیان واقعی خودشان

اما در مورد روایتی که آوردند

امام محمد باقر ع می فرمایند

{لو كان الناس كلهم لنا شيعة لكان ثلاثة أرباعهم لنا شكاكاً والربع الآخر أحمق }

اگر (تمام مردم شیعه ما بودند سه چهارمشان شکاک و ربع آخر هم احمق بودند)

📖 نام کتاب : اختیار معرفة الرجال (رجال الكشي) نویسنده : الشيخ الطوسي جلد : 2 صفحه : 460

سند این روایت این چنین است

-59 حدثنی حمدویه ، قال حدثنی أيوب بن نوح ، قال حدثنا صفوان بن يحيى ، عن عاصم بن حميد، عن سلام بن سعيد الجمحي، قال حدثنا أسلم مولى محمد بن الحنفية

📖 نام کتاب : رجال الكشي نویسنده : الشيخ الطوسي جلد : 1 صفحه : 204

این روایت ضعیف است

سلام بن سعيد :الجمحي روى عن اسلم مولى محمد بن الحنفية ، وروى عنه عاصم بن عبد الحميد . ذكره الكشي -مجهول

المفيد من معجم رجال الحديث - محمد الجواهرى - ص 257

ثانیا در روایت نیامده شیعیان ائمه احمق و شکاک هستند بلکه شرط حماقت و شک در این است اگر هم مردم کلهم الناس شیعه بشند این اتفاق می افته پس این روایت بر اهل سنت نیز شامل است به دو دلیل اول اینکه اهل سنت هم در کلهم ناس داخل هستن چون جزئی از مردم هستند مگر اینکه خود را از انسانیت خارج کنند ثانیا دلیل دیگر که منظور از روایت اهل سنت است اینه که اصلا شیعیان مولا علی ع اهل شک نیستند و اهل تردید نیستند و ان کسانی که اهل شک و تردید هستند اتباع شیخین هستن همان طور که شیخین مانند عمر بن خطاب شک در نبوت کرد و همچنین علمای اهل سنت مانند عبد الرزاق می گوید عمر انوک بوده یعنی احمق بوده فلذا وقتی امام شما اینگونه باشند به طریق اولی شما از او مقدم تر نخواهید بود

ثالثا این قضیه مثل این ایه هست (لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا) اگر در آسمان و زمین جز الله خدایان دیگری بود ، فاسد می شدند

وقتی وجود چند خدا ناممکن است پس فاسد شدن زمین و آسمان ناممکن خواهد بود لذا چون ناممکن هست همه مردم شیعه بشن یقینان هم ناممکن خواهد بود که مردم احمق و شکاک باشند

روایت کتاب شریف کافی هم ربطی به تشیع ندارد در مورد خطبه های نهج البلاغه هم باید عرض کنم چیزی محل اشکال نیست زیرا در بین اصحاب مولا علی ع هم اتباع ابوبکر و عمر پیدا می شدند

خوب اگر شیعه در ان زمان مذهب نبوده انوقت چطوری می گوید شیعیان علی ع امام حسین را کشتن؟ اگر بگوید شیعه منظور حزب سیاسی هست باید عارض شوم جواب خودتان را داده اید زیرا همان شیعه ای که حزب سیاسی بوده و در بین یاران مولا علی ع بوده همان شیعه در احزاب سیاسی عثمان و شیخین هم بوده در نتیجه باز ادعای ما ثابت شد، اتباع خلفای راشد شما که هم خلافت آنها را قهیل داشتن و هم خلافت یزید را باعث قتل امام حسین شدن و هم اکنون هم شما اهل سنت هم خلافت یزید را قبول دارید و هم خلفای راشدتان را

اما اینکه سوال کردید ایا عایشه هم شیعه داشته یا نه؟ بله شیعه داشته و از عایشه پیروی می کردند

أم شیخه قیس بن أبي حازم وهو مثله في الثقة والضبط، غير أنه قيل: إنه كان يحمل على علي رضي الله عنه. فهو إذن من شيعة عائشة

سلسله الاحاديث الصحيحه، ج1، ص852 ط مکتبه المعارف

یا شیخ او قیس بن ابی حازم که در ثقه بودن و ضبط مانند اوست الا این که گفته شده از علی بدگویی می کرد پس او شیعه ی عائشه است

اون شبهه احمق بودن رو هم قبلا پودر کردیم پسرم

ابومحسن:

پس از ارائه روایت عاجزی؟

سیدعباس:

مشکل اینجاست که شیعه واقعی همان کسی هست که ولایت مولا را دارد و منکر ولایت ناصبی هست حالا چه کسی اولی بر ناصبی بودن هست کسی که منکر ولایت است چون تو یا کسی که موافق ولایت است چون من؟ حالا کدام شیعه و کدام احمق ناصبی هست؟ سوال سختی پرسیدم فکر نکنم بتونی جواب بدی

ابومحسن:

این پودرها به درد خودت میخورد

سیدعباس:

تو هنوز نمی دانی من از ائمه روایت بیاورم ائمه بر اسلام حکم می دان یا خلاف اسلام انوقت تویی که در گیر و دار و منحجلاب رسوایی اعتقادی ماندی به تو مطلب بدم؟

نه عزیزم بدرد شما می خوره که عاجز شدی از صواعق

ابومحسن:

امید داشتم کمی نصیحت پذیر باشی و بابت اشتباهت عذرخواهی کنی ولی ظاهرا جای امیدی نیست

سیدعباس:

هر وقت شما نواصب بابت کفریات خودتان در دشمنی با اهل بیت توبه کردید ما هم بابت عدم عصمت خود که ممکن الخطا هستیم در پیشگاه الهی استغفار می کنیم

ابومحسن:

الله متعال اگر قابل هدایت نیستی نیست و نابودت کند که جز ننگ برای اسلام و مسلمین سودی نداری

سیدعباس:

عزیز جان بنده شیعه مولا هستم

دختم را از مولا می گیرم

بنا بر اقرار علمایت

ابومحسن:

نیستی به والله قسم نیستی

سیدعباس

کسی که دینش را از مولا علی علیه سلام بگیرد هدایت یافته هست

فقد اهتدی

لذا التماس دعا برای هدایت را برای خودت و هم کیشانت بخور که به قول علمایت بابت انکار ولایت مولا ناصبی ه ستن

قسم جلاله نخور ابومحسن

ابومحسن:

خداوند همه نواصب را همراه با تو از روی زمین بردارد که مسلمانان نفس راحت بکشند

والسلام علی من اتبع الهدی

برو در مورد من تحقیق کن تا بفهمی قصدم نصیحت بود

سیدعباس:

بله بنده برای اسلام یهودی شما ننگ هستم چون مطرود و مردود کننده کعب الاحباری هستم که دیتان را از او گرفتید اگر مانند شما تابع او می شدم انوقت من هم از نظر شما تابع اسلام واقعی می شدم من را یاد یهودیان انداختی که وقتی آنها را قبول نکنم منکرم هستن تا زمانی که شبیه آنها بشوم

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (120/بقره)

و هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمی‌شوند مگر آنکه از کیش آنان پیروی کنی بگو در حقیقت تنها هدایت‌خداست که هدایت [واقعی] است و چنانچه پس از آن علمی که تو را حاصل شد باز از هوسهای آنان پیروی کنی در برابر خدا سرور و یاوری نخواهی داشت (120)

ابومحسن:

الحمد لله تا حالا هیچ شیعه ای نسبت نصب به من نداده

سیدعباس:

تو کی هستی در مورد تو تحقیق کنم اخه بچه

متأسفانه علمایت بهت نسبت نصب داده اند

یاد حمله عایشه به عمار افتادم که علمایت گفتن دلالت بر بطلان اسلام عایشه دارد

الحمد الله بخشی از نواصب را نابود کرد

ابومحسن:

امیدوارم تو هم به آنها ملحق شوی

سیدعباس:

برده قرار است به توفیق الله ، ان شا الله در جنگ با یهود و کفار چون نواصب به درجه رفیع شهادت نائل بیایم به امید الله ان شا الله

گرچه در قیامت به هم ملحق می شویم

ولی بعدش مسیرمان جدا می شود

یکی خالدین فیها ابدان چون نواصب

ابومحسن:

تمام شد

سیدعباس:

یکی خلودش در بهش کنار ارباب خودمان حسین بن علی بن ابی طالب

بدرود

ان شا الله می دهیم برای پی دی اف عزیزم دوستان استفاده کنند

ابومحسن:

لطف می کنید

انجام وظیفه هست عزیزم

این حرف ها چیه

ابومحسن:

ولی امیدوار بودم نصیحت پذیر باشی

سیدعباس:

سوال داشتی به خصوصی من بیا

تا هدایت بشی عزیز

ابومحسن:

با این ادبیات امکان پذیر نیست

سیدعباس:

بنده از لسان نواصب نصیحت گوش نمی کنم

ابومحسن:

هر وقت حس کردم اصلاح شدی شاید

سیدعباس:

من به تو نه فحش دادم نه هیچی

مشکل اینجاست که تعصب داری

پس توفیق و لیاقت نداری

این رو من نمی بقنم کاری کنم

دست من نیست

چون لیاقت می خواهد

در کنار مومنین بودن لیاقت می خواهد برادر

ابومحسن:

بلی هدایت دست الله متعال است و بس

سیدعباس:

الحمد لله انی علی صراط علی بن ابی طالب

ابومحسن:

خب این ادعایت هم ثابت شد دروغ است

سیدعباس:

فهو صراط المستقیم

ابومحسن:

تبعیت از امام در عمل است نه در شعار

سیدعباس:

منظورت از ثابت شدن همان فرارت در اینکه بخواهی اقرار کنی اهل بیت بر اسلام فتوا می دادن یا غیر اسلام؟

ابتدا باید در شعار باشد که بعد به عمل برسد الحمد لله در ما به قطع رسید ولی کن در شما در ه یچ کدامش به انجام نرسید

اگه سوالی نیست برم پسر